

هر شب در رؤیای تو

سکینه سبیلی (مینو)

فهرست

بی‌قراری.....	۲۸	به نام خداوند هر صبح و شام.....	۱۳
غمکده.....	۲۹	پرواز.....	۱۳
دل آراسته.....	۲۹	باران.....	۱۴
معراج.....	۳۰	امید.....	۱۴
وعدۀ دیدار.....	۳۰	خاطرات سبز.....	۱۵
آبشار سمیرم.....	۳۱	مادر.....	۱۵
آتش پنهان.....	۳۲	گل‌های آرزو.....	۱۶
پروانهٔ مست.....	۳۲	اوقات سبز.....	۱۶
رنگ خدا.....	۳۳	خواب شیرین.....	۱۷
بی‌قراری.....	۳۳	رباعی‌های فراق.....	۱۷
نگار.....	۳۴	خورشید چشم‌هایش.....	۱۸
شمیم.....	۳۵	رؤیا.....	۱۸
شاید.....	۳۵	شقایق.....	۱۹
نگاه.....	۳۶	اندوه.....	۱۹
انتظار.....	۳۶	شعر هستی.....	۲۰
رنگین کمان تو.....	۳۷	مثنوی بهاری.....	۲۰
شعر من.....	۳۸	قصیدۀ آموزگار.....	۲۱
دریای غم.....	۳۸	معلم.....	۲۲
دل افروز.....	۳۹	آب و آینه.....	۲۲
دریای محبت.....	۳۹	[یاد او].....	۲۳
خنده خورشید.....	۴۰	گلگون.....	۲۴
در آفرینش شعرم.....	۴۱	گل‌های آرزو.....	۲۴
بوی عشق.....	۴۱	سفر.....	۲۵
میهن.....	۴۲	تمنا.....	۲۵
زندانی.....	۴۲	همزبانی.....	۲۶
مرغ دل.....	۴۳	پریده.....	۲۷
خواب ناز.....	۴۳	فروزان.....	۲۷
عشق وطن.....	۴۴	زهرآگین.....	۲۸

۶۲.....	خاطرات	۴۴.....	عطر خدا
۶۲.....	فریادها	۴۵.....	وصال
۶۳.....	آسمان	۴۵.....	بر باد رفته
۶۳.....	خاک من	۴۶.....	میهمان خاطرات
۶۴.....	پر کشیدن	۴۶.....	آخرین دیدار
۶۴.....	پنهان	۴۷.....	شب‌های پرستاره
۶۵.....	برای دلم	۴۸.....	امواج طلا
۶۵.....	سفر	۴۸.....	گل امید
۶۶.....	لیخند آسمان	۴۹.....	عروس گیتی
۶۶.....	باران دُر	۴۹.....	طعم محبت
۶۷.....	درد نهان	۵۰.....	آهنگ شادمانی
۶۷.....	آوای یاسین	۵۰.....	برای چشمانت
۶۸.....	نور حق	۵۱.....	بی‌قراری
۶۸.....	در محضر نگارم	۵۱.....	لیخند خدا
۶۹.....	ماه من	۵۲.....	کوچ
۶۹.....	عشق یعنی	۵۲.....	شرح احساس
۷۰.....	گل محبت	۵۳.....	آوای نسیم
۷۱.....	درس‌های عاشقی	۵۳.....	سلام
۷۱.....	عشق جانان	۵۴.....	یاران
۷۲.....	مهرآفرین	۵۴.....	آشپزخانه
۷۲.....	قایق دل	۵۵.....	داستان عشق
۷۳.....	آفتاب آورده‌ای	۵۵.....	آخرین ترانه
۷۴.....	غروب	۵۶.....	در نگاهت
۷۴.....	قصه آغاز	۵۶.....	گلزار احساس
۷۵.....	اندیشه	۵۷.....	میهن
۷۵.....	ترانه‌ای سبز	۵۷.....	گل خورشید
۷۶.....	هدیه کرد	۵۸.....	توسن امید
۷۶.....	چشمه عشق	۵۸.....	خیال
۷۷.....	رها	۶۰.....	بی‌پناه
۷۸.....	شب‌های بی‌قراری	۶۰.....	باران
۷۸.....	داستان عشق	۶۱.....	پر پرواز
۷۹.....	آوای تو	۶۱.....	برای دلم

دیو غم	۱۰۱	نوای بینوایی	۷۹
گاه ابراز	۱۰۲	تعبیر	۸۱
احساس تو	۱۰۳	حباب	۸۲
مهمان	۱۰۳	آخرین دیدار	۸۲
یادت به خیر	۱۰۴	حرف دل	۸۳
مهرآفرین	۱۰۴	اخم‌های آسمان	۸۳
از آفتاب رویت	۱۰۵	آسمان	۸۴
زمستان	۱۰۶	اسیر	۸۵
کلبه امید	۱۰۶	یاد او	۸۶
باور کند	۱۰۷	شکوفایا	۸۶
باز باران	۱۰۷	جغد غم	۸۷
باور عشق	۱۰۸	در راه عشق	۸۷
آب خیال	۱۰۹	عروس آسمان	۸۸
احساس	۱۰۹	آوای عشق	۸۹
شکسته بال	۱۱۰	چشمه خورشید	۸۹
زندگی	۱۱۱	دنیای غم	۹۰
کلام عاشقی	۱۱۱	قفس تنگ	۹۰
سرمرست	۱۱۲	آشفته	۹۱
تا بی‌نهایت	۱۱۲	تمنای وصال	۹۱
مادرم	۱۱۳	خزان	۹۲
هوای تو	۱۱۳	باز کن پنجره را	۹۳
عطر تبسم	۱۱۴	چشم‌هایت	۹۳
جشن ستارگان	۱۱۴	وصال	۹۴
باران دُر	۱۱۵	نام تو	۹۵
نور خدا	۱۱۵	قصه هجران	۹۶
درد نهان	۱۱۶	سبز شد	۹۷
ترانه عشق	۱۱۶	کلبه احساس	۹۸
بغض سنگین	۱۱۷	نیاز من	۹۸
ابر غصه‌ها	۱۱۸	وفای تو	۹۹
گلگون	۱۱۹	کعبه عشق	۱۰۰
مهرآفرین	۱۱۹	عطر نرگس	۱۰۰
نگاه کبریا	۱۲۰	گاه وصال	۱۰۱

۱۲۸.....	آفتاب عشق	۱۲۰.....	شرح احوال
۱۲۸.....	شاهین اشتیاق	۱۲۱.....	احتیاج
۱۲۹.....	سفر	۱۲۲.....	آشوب
۱۲۹.....	فریاد	۱۲۲.....	غروب
۱۳۰.....	دلنواز	۱۲۳.....	شعر تبسم
۱۳۱.....	رؤیا	۱۲۴.....	در اندیشه
۱۳۲.....	ارمغان	۱۲۵.....	چشن ستارگان
۱۳۳.....	محتاج نگاه	۱۲۶.....	نوای عشق
۱۳۴.....	شب چراغ	۱۲۷.....	غمی نهان
۱۳۴.....	فرار	۱۲۷.....	تمناً

روح بلند همسر گرانقدرم لطفعلی ارجمند

فرزندان عزیزم مسعود، محسن، مؤده، احسان

عزیزانم فرح، آرزو، افشین، فاطمه و ایمان ارجمند

نوه‌های عزیزتر از جاتم آریا، شایان، آرشام

روح آسمانی امیر عزیزم

نوه عزیزم نگار ارجمند و نتیجه شیرینم نیکان ارجمند

با تشکر از فرزند گرامیم دکتر محسن ارجمند که همواره در چاپ کتابهایم مرا یاری نموده‌اند.

بِسْمِ تَعَالَى

ای طوطی عیسی نفس وی بلبل شیرین نوا

هین زُهره را کالیوه کن زان نغمه‌های جان‌فزا

به نام خداوند جان و خرد که در قلمرو وجود، در دل هر ذره‌ای خورشیدی نهاد و عقل و بینش را زیور انسان ساخت تا آدمی، با مطالعه و نگارش، در صنع بادی، طریقی صواب را برگزیند و به مفهوم «حقیقت» راه یابد.

در این مسیر متعالی همواره نویسندگان و شاعران، با نگارش متون و اشعار که حاصل تلاش خستگی‌ناپذیر و عشق و شور و محبت بوده است، که در این سرزمین کهن سال، شادی و امید، مهر و تهر و... را بر خود دیده است.

کتاب حاضر حاصل تجربه و تلاش بانوی خردمند و فرهیخته و فرهنگی توانمند سرکار خانم سیبلی است که با همت بلند و تلاش بی‌نظیر به رشته نگارش و سُرایش درآمده و تصویری بالاحساس و پرشور و عاشقانه را به نمایش گذاشته است.

و آنچنان غنی از نوای شیرین و اشعار جانفزا است که تنها گوشه‌ای از آن زُهره را در آسمان به خواب وامی‌دارد و آدمی را مجنون می‌کند.

بی‌شک همت بلند و قلم شیوای آن شاعر شایسته را ارج می‌نهیم و در برابر روح بلند و فکر بلند و شوق آن شاعر خیال‌مرور احساس غرور می‌کنیم. مطالعه اشعار این مجموعه را به همگان توصیه می‌کنیم.

وَ آخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

دکتر محمود کریمی

شهریور ۱۴۰۴

به نام خداوند هر صبح و شام

و صبح سپیدم ز درگاه توست	خدایا امیدم ز درگاه توست
همه شب نویدم ز درگاه توست	تویی مهربان عاشق و جاودان
به سویت پریدم ز درگاه توست	نگاه تو بر قلب پاک من است
به عشقت رسیدم ز درگاه توست	خدایا تو هستی نگهبان من
صدایت شنیدم ز درگاه توست	نشان داده‌ای راه پابندگی
نگاه تو دیدم ز درگاه توست	رهایم مکن دست من را بگیر
نفس گر کشیدم ز درگاه توست	سحر چشم من را گشودی ز خواب

۱۴۰۳/۱/۲۱

پرواز

بال‌های سبز خود را باز کرد	عاقبت مرغ دلم پرواز کرد
اختران آسمان را ناز کرد	رفت در هفت آسمان کردگار
در حضور عشق خود ابراز کرد	رازهای سینه بی‌تاب را
باصفا در محضرش آغاز کرد	حرف‌هایی که به دل محبوس بود
بال‌هایش را چنان شهباز کرد	پشت ابر غم چو پنهان گشته بود
خویش را در آسمان طناز کرد	عقدۀ دل را گشود و شاد شد
ناگهان آغاز یک آواز کرد	چون که شد محو تماشای خدا
همچو خورشید جهان اعجاز کرد	در کنار او پرید آن مرغ عشق

۱۴۰۳/۱/۲۲

باران

باز ژاله باز باران بارد از سامان چشم
شاهد اشک روانم گونه‌های خیس من
سینه‌ام لبریز درد و بغض تلخی در گلو
در دل سجاده آیم عقده دل واکنم
آه گرمی از دل من می‌رود در آسمان
یار محبوبم نگاهی کرده بر ژرفای دل
ابره‌های تیره کم کم می‌شود از دل برون
قطره‌قطره می‌نشیند بر سر مژگان چشم
قلب پر اندوه و تنگم همدم باران چشم
اشک‌های بی‌امانم جاری از دامان چشم
راز دل را می‌گشایم تا شود درمان چشم
می‌رسد آوای آهم بر دل جانان چشم
می‌شود بر سینه درمان درد بی‌پایان چشم
می‌شود آن مهر جانان مهر نورافشان چشم

۱۴۰۳/۱/۲۳

امید

گل‌های آرزو را از باغ سینه چیدم
راز دلم عیان شد در نزد کردگرم
او احتیاج دل را با چشم خویش می‌دید
حرف دلم شنید و لبخند بر رخم زد
دستان من گرفت و آرام بر دلم داد
در آسمان چشمش صدها ستاره دیدم
او بر دو بال سبزم پرواز را بیاموخت
آوای دل‌نشین دلداری خود شنیدم
دریای عشق او را ژرفای سینه دیدم
من با نیاز قلبم در محضرش رسیدم
در قعر سینه خود تصویر او کشیدم
در آن نگاه گرمش با بال دل پریدم
خورشید چشم‌هایش با عشق برگزیدم
همچون پرنده گشتم با قلب پر امیدم

۱۴۰۳/۱/۲۶

خاطرات سبز

با خاطرات سبزم شیرین کنم زبان را
اوقات نوجوانی را چون به خاطر آرم
خورشید خانه دل نوری دهد به قلبم
آتش زخم به غم‌ها تا شادمانی آید
در قلب من نشیند آن شهپر طلایی
با شور و شادمانی با شوق زندگانی
با یاد و نام آنها شادی دهم زمان را
با اشک شوق هر بار می‌بینم آسمان را
با هر ترانه گرم زرین کنم جهان را
پردیس گردد این دل سیمین کنم بیان را
بر سینه‌ام بیارد با خویش ارمغان را
آرامشی ببارم بر جسم و هم روان را

۱۴۰۳/۱/۲۷

مادر

از آفتاب رویش شد غنچه‌ها خزان
بر شاخه‌های یک بید گنجشک لانه کرده
نوشیده شهد گل‌ها سرمست گشته بلبل
دستان گرم مادر در دست‌های سردم
از خاک پای مادر سرمه زدم به چشمم
من مرغ بی‌پناهم بر بام او نشینم
بال و پری بگیرم از هر دعای مادر
بر غنچه‌های قرمز خورشید بیکرانه
بر زیر سقف ایوان او کرده آشیانه
آوای یک قناری پیچیده کنج خانه
بوسه زدم به دستش با عشق بی‌بهبانه
مهرش به دل نشاندم آن مهر جاودانه
از هر نگاه گرمش می‌گیرم آب و دانه
لالایی شبانگاه بهتر زهر ترانه

۱۴۰۳/۱/۲۴